



نقش فن آوری اطلاعات بر تحول مفهوم هویت ملی

احمدسلطانی نژاد*^۱

محمد حسین جمشیدی^۲

افشین شامیری^۳

چکیده:

انسان موجودی مدنی است و برای رشد و نمو خود و همچنین سیر تکاملی خود نیاز به تعامل با دیگران دارد. در فرایند تعاملات و ارتباطات اجتماعی هست که تمام پدیده‌ها اجتماعی به ظهور می‌رسند. هویت ملی یکی از پدیده‌های انسانی است که از دل تعاملات اجتماعی پدیدار می‌شود و کنشگران در سطح خرد و کلان در تعاملات خود با دیگران شدیداً به آن نیاز دارد. این پدیده به خاطر خصلت اجتماعی و تاریخی آن در دایره زمانی و مکانی محدود و محصور نیست. از این روست که با تغییر شرایط و منابع شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، بستر و زمینه تغییر و تحول آن فراهم می‌شود. بر همین مبنا، هدف از این پژوهش نشان دادن تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی بر مفهوم هویت ملی در سیاست جهانی است. در این راستا، سؤال اصلی پژوهش این است که تأثیر تحولات نوین فن آوری‌های اطلاعاتی بر تحول مفهوم هویت ملی چیست؟ فناوری‌های نوین اطلاعاتی از طریق ایجاد مفاهیم و داده‌های جدید باعث ایجاد بستری شده است که بر مبنای آن مفهوم هویت ملی از قالب نسبتاً ایستا و اصیل خارج شده و به صورت پدیده‌ای اجتماعی و تحول‌یابنده انگاشته شود. روش این پژوهش، روشی تحلیلی - توصیفی است و بررسی موضوع بر مبنای نظریه سازه‌نگاری صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: فناوری اطلاعات، جامعه فرا فناوری، فرهنگ فرا فناوری، مفهوم هویت، هویت ملی.

^۱ . عضو هیأت علمی گروه روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس. (نویسنده مسئول)

soltani@modares.ac.ir

^۲ . عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

^۳ . دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس

۱: مقدمه

از چند دهه قبل جهان شاهد پیشرفت تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات بوده است. تحت تأثیر چنین پیشرفتی، مجموعه گسترده‌ای از جوامع مجازی را به وجود آورده و در نتیجه، اقصی نقاط عالم در شبکه‌های جهانی مجازی به یکدیگر پیوند خورده است. این نوع تکنولوژی، امکانات و ملزومات زیادی را برای افراد، گروه‌ها و دولت‌ها فراهم نموده است و آنها را با فضای جدیدی روبرو ساخته است. در کنار این امکانات، محدودیت‌ها و تهدیدهای زیادی نیز برای اجتماع انسانی ایجاد گردیده است (فرهمند، ۱۳۸۷: ۱۳۹-۱۴۰).

بحران مشروعیتی دامن‌گیر کلیه نهادها شده است؛ چرا که همگام با پیشرفت تکنولوژی اطلاعات سرچشمه هویت‌های مشروعیت بخش کاملاً خشکیده است. در حالیکه به نظر می‌رسد نخستین گام‌های تاریخی جوامع اطلاعاتی، اهمیت «هویت» را به عنوان اصل سازمان دهنده به وجه بارز این جوامع بدل ساخته است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۲۶). این مفهوم در گذشته در زمره مقولات فلسفی محسوب می‌گردید و در پیوندی تنگاتنگ با مقوله «خود» قرار داشت. با ظهور نهادی به نام دولت ملی این مفهوم در بستر گستره اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و به منزله یکی از ارکان اصلی پدیده دولت ملت مورد امعان نظر قرار گرفت (نوذری، ۱۳۸۵: ۲).

در دنیای نوین، انعطاف‌پذیری گسترده اطلاعاتی ناشی از فناوری‌ها و ایجاد کانال‌های جدید ارتباطی در گستره جهانی، شکل‌های اجتماعی جدیدی را ایجاد نموده که محل ظهور بسیاری از هویت‌های جدید و به اضمحلال رفتن بسیاری از منابع مشروعیت بخش هویت‌های سنتی را فراهم نموده است (آزر و این مون، ۱۳۸۸). هویت ملی به عنوان یک پدیده انسانی که به توانایی تعریف خود و محتوای رابطه با دیگران اشاره دارد، از این تحولات بی‌نصیب نمانده است. در واقع، فناوری اطلاعات با ایجاد بسترها و کانال‌های جدید تعاملاتی باعث تحول در مفهوم هویت ملی شده است. بر این مبنای پژوهش حاضر سعی دارد به بررسی چگونگی تحول مفهوم هویت ملی تحت تأثیر سامانه اطلاعاتی نوین بپردازد. در این راستا، سؤال اصلی

پژوهش این است که تأثیر تحولات نوین فن‌آوری‌های اطلاعاتی بر تحول مفهوم هویت ملی چیست؟

در پاسخ، فرضیه تحقیق این است که این پدیده نوظهور با ایجاد بسترها و فضاهای تعاملاتی جدید زمینه تحول در هویت‌ها در ابعاد مختلف را فراهم نموده و از طریق ایجاد مفاهیم و داده‌های جدید باعث ایجاد بستری شده است که بر مبنای آن مفهوم هویت ملی از قالب نسبتاً ایستا و اصیل خود خارج شده و به صورت پدیده‌ای متحول انگاشته شود. روش این پژوهش، روشی تحلیلی - توصیفی است و بررسی موضوع بر مبنای نظریه سازه‌نگاری صورت گرفته است. برای رسیدن به نتیجه، این پژوهش به چند بخش

تقسیم می‌شود: (۱) پیشینه، (۲) چارچوب نظری، (۳) جامعه و فرهنگ در عصر فرا فناوری، (۴) مفهوم هویت و هویت ملی، (۵) چگونگی تأثیر گذاری فناوری اطلاعات بر هویت ملی و (۶) هویت ملی ایرانی و فناوری های جدید.

۱. پیشینه پژوهش

در مورد رابطه هویت و فضای مجازی، آثار متعددی تألیف شده است که هر کدام جنبه خاصی از این رابطه را مورد بررسی قرار داده‌اند که در ذیل به موارد مهم اشاره می‌شود:

- کتاب «جهانی شدن، فرهنگ و هویت» اثر گل محمدی. فرضیه اصلی کتاب آن است که فرآیند جهانی شدن، خاص گرایی های فرهنگی را تقویت می‌کند. بعضی از موضوعات نظیر عوامل بنیادین در فرایند هویت سازی از جمله مواردی است که در کتاب مورد توجه قرار گرفته اما این پژوهش بیشتر به دنبال چگونگی تأثیر سامانه جدید اطلاعاتی بر هویت کنشگران و نحوه تغییر و تحول در این حوزه است تا تأثیر فناوری اطلاعات بر تحول مفهوم هویت ملی. (گل محمدی، ۱۳۸۱).

- عصر اطلاعات اثر کاستلز: این کتاب شامل سه جلد است که یک جلد آن به پدیده فرهنگ در عصر اطلاعات می‌پردازد و در آن مسائلی چون پیدایش هویت های جدید، تأثیر انقلاب اطلاعاتی بر هویت ها (فرد گروه، جامعه و دولت) مورد بررسی قرار می‌دهد. تقویت بسیاری از ارزش ها و همچنین تضعیف بعضی ارزش های بنیادین و متحول شدن هویت های قدیم و ظهور هویت های جدید از دیگر فکرهاى مورد بررسی است. (کاستلز، ۱۳۸۰). اما آنچه این تحقیق به دنبال آن است این است که بستر تعاملاتی جدید که در اثر سامانه نوین اطلاعاتی شکل گرفته چه شرایط را به وجود می‌آورد که زمینه ساز تحول مفهوم هویت ملی می‌شود.

- جهانی شدن و هویت ملی: این مقاله پس از تبیین نگرش بدبینانه به جهان گرایی به عنوان پروژه ای تحمیلی و تلقی خوش بینانه از جهانی شدن به عنوان فرآیندی تعمیمی، به بررسی آثار مثبت و منفی آن بر هویت ملی بر اساس فرضیه «یکپارچگی در عین گسل» می‌پردازد. (دهشیری، ۱۳۷۹: ۱۰۰-۷۲) ولی به نحوه تأثیر پذیری مفهوم هویت ملی از فناوری های نوین در فرایند جهانی شدن توجه آنچنانی ندارد.

بنابراین، این پژوهش در نوع خود بدیع است. بعلاوه این پژوهش سعی دارد که روش تحلیل سازه انگاری را در راستای اثبات فرضیه بکار برد که خود بعدی دیگر از نوآوری آن است.

۱. احمد، گل محمدی، (۱۳۸۱)، جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.

۲. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ؛ ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان؛ ویراستار علی پایا - تهران: طرح نو.

۲. چارچوب نظری

با توجه بر تکیه نظریه سازه‌انگاری بر بحث هویت و ایجاد و تحول آن تحت تأثیر عوامل فرهنگی، در این پژوهش سعی شده است تا از این نظریه که یک دیدگاه بینابینی نیز نسبت به پدیده‌های اجتماعی و سیاسی دارد، برای بررسی و تبیین مسئله استفاده گردد. در یک تحلیل بینابینی، پدیده‌های اجتماعی صرفاً به ابعاد مادی ختم نمی‌شوند، بلکه این پدیده‌ها شامل جنبه‌های گفتگویی هم می‌شوند و جدا از درک و فهم کنشگران نیستند، ولی در عین حال قابل تقلیل به مسائل ذهنی هم نیستند (Wendt 1987: 337-38). به عنوان مثال کاتزنستاین در مطالعات خود نشان می‌دهد که چگونه نوع و فضای تعاملاتی می‌تواند زمینه ایجاد هنجارهای اجتماعی و حقوقی را فراهم سازد و به تبع آن هویت‌ها و منافع کنشگران خصوصاً دولت‌ها را دچار تغییر و تحول نمایند (Katzenstein 1996: 153). طبق این نظریه، هویت کنشگران را نمی‌توان یک ویژگی ثابت فرض کرد. کردار کنشگران و فضای تعاملاتی که در آن درگیر هستند، هویت آنها را شکل می‌دهند و باعث می‌شود تا نقش، کارکرد و منافع آنها در سطوح بعد به منصفه ظهور برسد. نیروهای قوام بخشی که اکثر سازه‌انگاران آنها را مورد تأکید قرار می‌دهند از جمله انگاره‌ها، هنجارها، فرهنگ و عناصر کارگزاری‌هایی که بر آن تأکید دارند، ذاتاً متغیر هستند. (اسمیت، ۱۳۹۱: ۲۹۲).

مایکل اونیل^۱ معتقد است که سامانه جدید اطلاعاتی، بسترهای جدیدی برای تعاملات کنشگران فراهم نموده که باعث شده تا آنها با شرایط جدید روبرو شوند. دگرگونی بنیادین در تعاملات و ارتباطات انسانی در اثر گسترش سامانه جدید باعث شده تا نوع نگرش و کنش کنشگران در سطح خرد و کلان در ارتباط با یکدیگر دست خوش تغییر و تحول گردد (ریستون، ۱۳۹۰: ۳۰۱). همچنین کاستلز معتقد است از آنجا که انتقال و جریان فرهنگ از طریق ارتباطات صورت می‌گیرد، حوزه فرهنگ که نظام‌هایی از عقاید و رفتار را شامل می‌شود، با ظهور فناوری جدید دستخوش دگرگونی‌های بنیادین شده‌اند (کاستلز، ۱۳۸۵).

۳. عصر فرا فناوری

۱،۳. جامعه عصر فرا فناوری

رشد و گسترش سه فرایند تاریخی انقلاب اطلاعات، تجدید ساختار سرمایه‌داری و اقتصاد متکی به برنامه‌ریزی متمرکز و گسترش نهضت‌ها و جنبش‌ها فرهنگی جدید زمینه ایجاد جامعه شبکه‌ای را در عصر حاضر فراهم نموده است. ویژگی‌های اصلی این جامعه شامل: اقتصاد اطلاعاتی^۲ که در آن بهره‌وری و

^۱ Mike O Neil

^۲ Information Economy

رقابت میان شرکت‌ها، بنگاه‌ها و حوزه‌های اقتصادی و همچنین کشورها که بیش از هر زمان دیگر به دانش، معرفت و اطلاعات متکی‌اند، است. (Castells, 1999:32-38)

منطق درونی جامعه شبکه‌ای طوری عمل می‌کند که بسیاری از امور که در فضای متعارف و غیر شبکه‌ای از ماهیتی یگانه برخوردار بودند به گونه‌ای متناقض نما خصلتی دوگانه پیدا می‌کند و گستره جهانی به صورت یک شبکه درآمده است که در درون این شبکه، گرایش به سمت ایجاد یک دوقطبی (مسلط بر تکنولوژی و خیل طردشدگان محروم از تکنولوژی) وجود دارد. (Albrow, 1996:1). در این فرایند ثبات، یکپارچگی، انسجام و محدودیت به هم خورده و یک فضای اجتماعی نفوذپذیر و پاره پاره ایجاد شده است.

گیدنز این فرایند را پیچیده و چند جانبه می‌داند که شامل هم نظام‌های گسترده جهانی و هم بسترهای محلی و تجربیات شخصی می‌شود. از نظر وی این یک فرایندی است که "کنش از دور و با فاصله" که به واسطه برهم خوردن نظم و رابطه فضا و زمان یا "جدایی فضا و زمان"، ممکن شده است (Giddens, 1994:5). جدایی فضا و زمان از مکان به این معنا نیست که امکان هرگونه کنش و رابطه اجتماعی از بین می‌رود، بلکه امکان آن را در دو سطح دیگر بدون ارجاع و ارتباط ضروری با مکان فراهم می‌نماید و به نوعی باعث گسترش روابط و کنش اجتماعی در دو سطح دیگر می‌گردد (Giddens 1991:18).

رابرسن این وضعیت را جهانی شدن دانسته و آن را فشرده شدن، در هم تنیدگی و وابستگی متقابل فزاینده می‌داند. این مکانیسم فشرده‌گی عینی جهان که انتقال انسان، صدا، تصاویر و هر شکل دیگری از اطلاعات را میسر می‌سازد. (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۵۲) تحت این شرایط ثبات و خلوص فرهنگی و هویتی کم و بیش از بین رفته و نوسان، سیالیت و اختلاط جایگزین آن شده است و زمینه را برای نسبی شدن دنیای فرهنگی-اجتماعی فراهم می‌گردد.

این فن‌آوری‌های نوین شکل تازه‌ای از جامعه یعنی جامعه شبکه‌ای با کارکردها و فرایندهای نوین پایه گذاری کرده‌اند و گسترش آن تحولات عمیقی در عملیات و نتایج فرایندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ ایجاد می‌کند. در این ریخت اجتماعی نوین، قدرت جریان‌ها از جریان قدرت پیشی می‌گیرد و صور اجتماعی و م مستمرأ اشکال تازه‌ای به خود می‌گیرد. (castells, 1999:27). در چنین شرایطی ملاک‌ها و معیارها با ثبات برای تشخیص خوب و بد بودن، درست یا نادرست بودن و زشت و زیبا بودن در حال نوسان شده است. منابع هویت ساز سنتی دچار تزلزل و فروپاشی شده‌اند و افراد وابسته به آن منابع (سنتی) درگیر بحران هویت و معنا گردیده‌اند.

¹ Distanciation of pace and time

همچنین، زیرساخت اطلاعاتی نوین که مسیل آن را شبکه هوشمند^۱ می‌خواند، به انسان‌ها امکان آفرینش جهان چند بعدی و تعامل با آنها را می‌دهد ((Zuboff, 1988:255 در نتیجه رشد و گسترش چنین فناوری است که شرایط فرارگرفتن فرهنگ‌های خاص در درون فضای اجتماعی بسیار گسترده و پهناور فراهم شده و بنیادهای هر گونه معناسازی و هویت بخشی یقینی و ثابت و نامتغیر متزلزل شده است.

۲,۳. ساختارهای جامعه فرا فناوری

ساختارهای اجتماعی در خلأ به وجود نمی‌آیند. ساختارها و نهادهای هر جامعه‌ای در فرهنگ و نگرش‌های آن جامعه ریشه دارند. هر جامعه‌ای به سمت ترکیبات سازمانی و نهادی خاصی گرایش دارد. کراسنر در این رابطه نهادها را ساختارهای رسمی و غیررسمی، هنجارها و قواعد که بازیگران برای افزایش سودشان ایجاد می‌کند، تعریف می‌کند (بوزان، ۱۳۸۸: ۱۸۳). فن آوری‌های نوین اطلاعاتی با گذار از ساختارهای سلسله مراتبی (عمودی) به تعاملات افقی اجازه کاربست ارزش‌ها و گرایش‌های گوناگون و رقیب را فراهم نموده است. بازیگران جدید برای مانور در صحنه سیاست جهانی مجبورند تا خود را با راهبردهای شبکه‌ای نوین و منعطف همراه سازند تا بتوانند در عرصه جهانی به رقابت بپردازند (Castell, 1999:496). علاوه بر این شبکه‌ها چشم انداز مسائل جهانی را دگرگون ساخته‌اند و زمینه ظهور هویت‌های جدید و گوناگون را فراهم نموده است، خود (شبکه‌های فرامرزی) به بازیگران محوری و فراگیر در عرصه جهانی مبدل شده‌اند و به عنوان یک ساختار و نهاد در کنار دیگر ساختارها در عصر فرافناورانه عمل می‌نماید. (Keck and sikkink, 1998: 203). از طرفی کاستلز فن آوری‌های نوین را یک نوع ساختار اجتماعی جدید معرفی می‌کند که کارکردها و انتظاراتی حول خود جمع می‌سازد. در واقع، این زیرساخت‌ها هم باعث ظهور هویت‌ها جدید و هم سبب تجمع این هویت‌ها در حول خود را فراهم می‌سازد. امروز بازیگران دولتی و غیردولتی خواسته‌ها و منافع خود را در چارچوب این گونه شبکه‌های پیچیده پیگیری می‌نمایند (castells, 1999:322) سرشت این گونه ساخت‌های اطلاعاتی باعث می‌گردد تا واحدها (افراد، گروه‌ها...) آزادانه‌تر نسبت به محیط‌های واقعی به تعامل بپردازند و هویت‌های جدید که تا پیش از این، قدرت کمتری داشتند سربرآورده و بر فرآیند سیاست گذاری‌ها و تعاملات اجتماعی تأثیر گذار باشند. (کانوی، ۱۳۹۰: ۱۳۰)

۳,۳. فرهنگ عصر فرا فناوری

فرهنگ هر جامعه‌ای به سان حافظه انسان است. بعلاوه شامل شیوه نگرش مردم به خود و محیط اطرافشان، پیش‌فرض‌های بیان نشده آنها درباره راه و رسم دنیا و روشی که مردم عمل می‌کنند، می‌شود. فرهنگ

¹ Intelligent network

سنت می‌سازد و سنت‌ها نه تنها به مردم می‌گویند که در گذشته چه چیزهایی مؤثر بوده است، بلکه انتخاب رفتارها و گزینه‌ها را در حال و آینده آسان می‌سازد و محیط اجتماعی را قابل پیش بینی می‌کند.. (رماندیس، ۱۳۸۳: ۴۸).

یکی از عواملی که بر فرهنگ تأثیرگذار است زیست بوم است. زیست بوم، فرهنگ را و فرهنگ به نوبه خود انواع خاص رفتارها را تشکیل می‌دهد. (همان، ۱۳۸۳: ۴۶). در دنیای امروز با گسترش سامانه اطلاعاتی جدید و شکل‌گیری زیست بوم مجازی، حتی خردترین سطح زندگی را هم متحول ساخته است. ساختارهای مرجعیت و اقتدار رو به ضعف گذاشته است. جوامع دچار چندپارگی شده است. هویت قدیم در حال فروپاشی است و هویت‌های جدیدی در آستانه ظهور است. (روزنا، ۱۳۹۰: ۳۱۵). در نتیجه، در فرهنگ سیاست جهانی تغییراتی در حال وقوع است که شاید در آینده سرشت آن را از نو شکل دهد و نحو مهار و مدیریت آنها را دگرگون سازد. از سوی دیگر، روزنا تصدیق می‌کند که چه بسا وابستگی متقابل، قلمرو هنجارهای مشترک را آرام آرام فراخ‌تر گردد (همان، ۱۳۸۴، ۵۶۰). نمونه شکل‌گیری هنجارهای جهانی را می‌توان به شکل‌گیری قواعد و هنجارهای بین‌المللی در خصوص حقوق بشر و محیط‌زیست اشاره کرد. یا برداشت‌ها و تفاسیر ملل مختلف از نظم خانوادگی را می‌توان از موارد ناهمگونی فرهنگی مورد اشاره قرار دارد.

از منظر کاستلز، کاربران در سامانه اطلاعاتی جدید نسبت به هیچ مکان خاصی احساس عمیقی ندارند و بدون حس قوی از هویت ملی، محلی یا هرگونه تعلق خاطر نسبت به مکان خاص، وارد این محیط مجازی می‌شوند و با یکدیگر به تبادل نظر می‌پردازند. کاستلز این گونه کاربران را "نیروی کار خود برنامه پذیر" می‌نامد. همانند بازارهای مالی آرام و قرار ندارند و در مکان‌های زندگی می‌کند که کاستلز آن را "فضای جریان" می‌نامد. وی می‌گوید این فرهنگ موقتی است و به جای منشوری از حقوق و وظایف، چهل‌تکه‌ای از تجربه‌ها و علایق است. (بل، ۱۳۹۰، ۱۲۶) همین‌طور در فرهنگ سایبری، جماعت‌های زندگی واقعی در حال ناپدید شدن هستند در این فضای مسائل مربوط به هویت و فرهنگ عمیقاً در حال تغییر هستند (تاجیک، ۱۳۸۴: ۲۹). از این روست که فرهنگ در فضای سایبر و مجازی بر خلاف دوران گذشته شرایط متفاوتی را برای ظهور هویت‌های جدید در سطح خرد و کلان فراهم نموده است که با هویت‌های سنتی کاملاً متفاوت است.

۴. هویت و هویت ملی

۴.۱. مفهوم هویت و هویت ملی

هویت در اصل، پاسخی است به سؤال "من کیستم؟". اصطلاح هویت از منظر لغوی به هستی، وجود و سرشت اشاره دارد. (فارابی، ۱۳۹۳: ۱۰-۱۲) ریشه لغوی آن از واژه هو گرفته شده است که اشاره به غایت

و کمال دارد و موجب شناسایی و تمایز فرد از دیگری می‌شود (کاوسی، ۱۳۸۷: ۵). برخی هویت را بیانگر مفهوم تشابه مطلق می‌دانند و هم تمایز می‌دانند. جنکینز هویت را حاصل دیالکتیک درونی - بیرونی یا فرد و جامعه تعریف می‌کند (جنکینز، ۱۹۹۶: ۲۵-۲۲). از نظر استوارت هال، اکثر بحث ما در مورد "خود و دیگری"، یا "درون و بیرون"، در عینیت یا ذهنیت بر منطق هویت متکی است و همین منطق است که برای فرد آرامش خاصی می‌آورد. (هال، ۱۹۹۱: ۴۲). از دید بورک هویت مجموعه‌ای از معانی است که چگونه بودن را در خصوص نقش‌های اجتماعی به فرد القا می‌کند (عاملی، ۱۳۹۰: ۱۸۱).

اتریک لارنا هویت را به هویت فردی، هویت گروهی یا جمعی و هویت عمومی تقسیم بندی می‌کند. از نظر وی هویت فردی به ویژگی‌های کاملاً شخصی مربوط می‌شود که در فرد درونی و نهادینه شده است اشاره دارد و هویت جمعی و گروهی^۱ اعضا از طریق فرایند تعامل، مذاکره و تعاریفی که از اوضاع و احوال داده می‌شود «ما» ی جمعی را می‌سازند. (لارنا، ۱۳۹۰: ۳۵-۲۷).

براساس دیدگاه واقع‌گرایی دولت- ملت‌ها کنش‌گران اصلی نظام بین‌الملل و موجودیت‌های عقلانی و یکپارچه‌ای هستند که در یک نظام آنارشیک بین‌المللی عمل می‌کنند و مهم‌ترین دغدغه آنها امنیت ملی‌شان است. آن‌ها با تأکید بر مفاهیمی چون ثبات، حاکمیت، زور و قدرت با برداشتی هابزی از جهان و ماهیت بشر به تحلیل مسائل بین‌المللی می‌پردازند. (واعظی، ۱۳۹۰: ۳۰۹). از همین رو، واقع‌گرایان دولت‌ها را مهم‌ترین بازیگر سطح بین‌الملل می‌دانند. همچنین دولت‌ها را مجموعه ثابتی از اولویت‌ها و هدف‌ها می‌دانند که با فراگشت نظام بین‌الملل دگرگون نمی‌شوند. (چرنوف، ۱۳۸۸: ۱۵۶).

در این ارتباط، نظریه صلح دمکراتیک کانت با قرار دادن کشورها به دو گروه دموکرات و غیردموکرات و تمایز بین آنها و الگوی رفتاری آنها در واقع تبیین‌کننده و القاکننده مفهوم "ما" و "دیگران" در فرایند هویت‌سازی است (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۹). همچنین رویکرد انتقادی بر این تأکید دارد که سوژه شناسا سوژه‌ای اجتماعی (و نه فرااجتماعی و فراتاریخی) و پویاست و شناخت نیز به شکل اجتماعی قوام می‌یابد. (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۲۱۸). در واقع انتقادی‌ها بر این باوراند که فرایند شناخت زمینه مند هست و تابع منافع سیاسی است و نظریه‌های موجود تحت تأثیر نفوذ فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیک قرار دارند (Ashley, 207: 1981). درست برخلاف دیدگاه سنتی فردگرایانه که دولت‌ها را هویتی ذره‌ای، عقلانی، انحصارطلب می‌دانند که گویی هویتشان پیش از تعامل اجتماعی و یا مستقل از تعامل اجتماعی وجود داشته است، نظریه انتقادی بر این باور است که چگونه کارگزارها یا هویت‌ها در تاریخ ظهور می‌کنند و تاریخ آنها را مشروط می‌نماید. (COX, 1981: 127).

¹ .Collection

پساساختارگراها نیز، برهویت تاریخی، سیال و غیرذاتی و نیز پراکنده تاکید دارند. هر فردی همچون موزائیک، مجموعه‌ای از تعارض‌ها و اجزای گوناگون است. از منظر پاساساختارگرایان انسان، معانی، اندیشه‌ها، نظریه‌ها و... همگی وحدت و هویت ظاهری خود را تنها از طریق حذف و غیریت یا بیگانه سازی به دست می‌آورند. (عباسی قادی، ۱۳۹۰: ۴۰).

در این رابطه، حال همواره کوشیده است به نوعی الگوهای سنتی هویت را که به مثابه جوهری درونی، پیوسته، خودبسنده، متعالی به تصور می‌کشیدند به نقد بکشند. (هال، ۱۳۸۴: ۳۲۴). آن‌ها از سویی با تأکید بر تنوع و تکثر، هویت‌ها را متکثر و متنوع تلقی می‌کند و هویت‌ها از جمله هویت ملی را در نظام بین‌الملل یک هویت برساخته و تاریخی می‌دانند که در کنار سایر هویت‌ها (افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها...) در حال فعالیت است (Burke, 2004: 353).

سازمانگاری هم با تأکید به برساخته بودن واقعیت و نقش تعامل اجتماعی در شکل‌گیری، حفظ و تغییر هویت‌ها توجه خاصی به انگاره هویت در سطوح مختلف می‌کند (واعظی، ۱۳۹۰: ۳۰۴). سازمانگاران، در کنار هویت ملی، برای دیگر هویت‌ها نیز اهمیت قائل هستند. آن‌ها سیاست بین‌الملل را عرصه حضور هویت‌های متنوع و متکثر می‌دانند. علاوه بر این، هویت‌ها را محصول محیط اجتماع می‌دانند. (Hopf, 1998: 175) تحت این شرایط است که می‌توان گفت فن‌آوری نوین ارتباطی با ایجاد فضای جدید تعاملاتی می‌تواند در ظهور و پیدایش هویت‌های جدید و تحول آنها بسیار تأثیرگذار باشند.

۲،۴. هویت ملی در عصر فرا فناوری

هویت ملی، عالی‌ترین سطح هویتی جمعی محسوب می‌شود و امروزه به دلیل وجود دولت-ملت‌ها، به لحاظ سلسله‌مراتبی برتر از سایر سطوح هویتی قرار دارد. هویت ملی از تعلق خود به یک سرزمین و دولت ملی یا به عبارتی به کشور خاصی سرچشمه می‌گیرد به طوری که نسبت به موجودیت کل آن آگاهی و به آن احساس وفاداری دارد (عباسی قادی و خلیلی، ۱۳۹۰: ۵۰).

هنگامی که بازیگران (خرد و کلان) به کنش متقابل مستمر می‌پردازند، در تجربیات یکدیگر سهیم می‌شوند و پیوسته اشتراکاتی میان آنها به وجود می‌آید. درباره موضوعات مختلف وارد بحث می‌شوند و در روابطشان قواعد، اندیشه‌ها و ارزش‌ها شکل می‌گیرند. در این فرایند زبانی ایجاد می‌شود که برایشان معنای منحصر به فرد دارد. احساس وفاداری، تعهد نسبت به کل و همبستگی بین آنها به وجود می‌آید. همچنین حقایق، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک ایجاد می‌شود. همین طور، با ورود افراد و گروه‌ها و... به سامانه نوین اطلاعاتی و فراهم شدن بستر و شرایط برای ارتباط متقابل با همدیگر در آن سامانه، زمینه لازم

برای تجربیات مشترک آنها و تبادل اندیشه، ارزش‌ها، حقایق و هنجارهای آنها فراهم گردیده است (شارون، ۱۳۷۹: ۲۰۰).

در دنیای اطلاعاتی نوین، تکثر به صورت مختلف تجلی پیدا کرده است. در عرصه عمومی، شمار هویت‌ها در حوزه عمومی افزایش پیدا کرده. در عرصه سیاست در سطوح مختلف (داخلی و خارجی)، مراکز قدرت متعدد و متنوع به وجود آمده‌اند و زمینه حضور بازیگران جدید در عرصه بین‌المللی فراهم شده است. در عرصه فرهنگ، هنجارهای غیرغربی و در حاشیه به سبب مفهوم رواج چند فرهنگی اهمیت یافته است و همچنین شرایط به چالش کشیدن ساخت‌های فکری مبتنی بر برداشت تجدد از واقعیت فراهم گردیده است (رجایی، ۱۳۷۹: ۱۲۳).

اندرسون در کتاب آینده خود، ساختن انسان پسامدرن به مطالعه آینده و خود می‌پردازد. وی در این کتاب به این نکته کلیدی توجه می‌کند که فرد تک مرکزی گذشته، به فردی چند مرکزی تبدیل شده است و این تکثر منشأ ضعیف شدن لایه‌های هویتی از جمله هویت ملی شده است. (عاملی، ۱۳۹۰: ۱۸۶).

بودریو با نگاه بدبینانه‌ای به این تغییر و تحولات نگاه می‌کند، از نظر وی تمام واحدهایی هویتی که پذیرای فرهنگی می‌باشند، در واقع آنچه را که دریافت می‌کنند فرهنگ به معنای واقعی کلمه نیست، بلکه بازیابی فرهنگی است. آن‌ها یاد می‌گیرند که چگونه تسلیم محدودیت‌های ضعیفی شوند که دائماً مانند مد در حال تغییر است و نقطه متقابل مطلق فرهنگ است. از نظر بودریو پدیده‌های فرهنگی نظیر هویت، دیگر ساخته نمی‌شود که باقی بماند. از آنجا که فرهنگ به عنوان یک منبع یا رکن هویت ساز مطرح است، در دنیای سایبر به یک شبه واقعیت مانند یک شبه کالا در تبلیغات تبدیل شده است (بودریو، ۱۳۸۰: ۸۷).

از طرفی ظهور جهان مجازی، مفهوم زمان و مکان را نیز تغییر داده و ارتباطی همزمان را برای همگان و در هر زمان فراهم آورده است. دیگر، در فضای جدید ارتباطی مفهوم دوری و نزدیکی، اینجا و آنجا محلی از اعراب ندارد. جغرافیای فرهنگی و هویتی آینده بر محور جغرافیای سیاسی و زمینی جهان واقعی ترسیم نخواهد شد. (عاملی، ۱۳۹۰: ۱۸۴).

از آنجا که فضای مجازی به شکل گیری هویت‌های جدید در قالب شبکه‌های اجتماعی کمک کرده است، ارتباط چندانی با هویت‌های ریشه‌ای دنیای واقعی ندارد. به عبارتی، شبکه‌ها و شکل‌هایی وجود دارد که فراقومی، فراجنسیتی، فرادینی، فرازبانی، فراملی و... هستند و مبنای هم‌گرایی و شکل‌بندی آنها، علائق، عواطف، منافع و یا کارکردهای مشترک است که آنها را به هم پیوند می‌دهد و در قالب هویتی جدید متشکل می‌سازد. در صورتی که هویت‌های دنیای واقعی محصول یک فرایند تاریخی، استمرار نسلی و دیرینه بوده و از پایداری بیشتری برخوردار است. (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۳۴)

۵. چگونگی تحول مفهوم هویت ملی در عصر فرا فناوری

گیدنز معتقد است که دگرگونی‌های ساختاری دوران معاصر، سوژه را از قید و بند رها کرده و امکان بازسازی داستان‌های زندگی فردی - جمعی و هویت‌ها را فراهم کرده است. خود سیال و تکه تکه شده دوران پسامدرن، امکان تازه‌ای برای ساخت مجدد و تغییر سبک عناصر برخوردار شده است. (بل، ۱۳۸۹: ۱۸۴). آر. یوسیریوس نیز می‌گوید: در جهان امروز ما بیش از پیش مخلوقاتی ساخته شده از بیت‌ها و بایت‌های پاک‌کننده ذهن هستیم که با سرعت نور به این سو و آن سو حرکت می‌کنیم. همچنین به نقل از ترانو "پسا انسان‌ها، اشخاص با توانایی فیزیکی، فکری و روانی بی سابقه خواهد بود" (همان: ۲۲۸).

هرکنش‌گری به هنگام تعامل مستمر با کنشگران دیگر هویت خویش را به عنوان یک عضو جامعه ای مشخص پیدا می‌کند، لذا هویت جمعی وی در بستر تعاملات اجتماعی که وارد آن شده است، شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد. مکان و فضا مهم‌ترین عاملی هستند که نیازهای هویتی انسان را تأمین می‌کند. مکان و سرزمین با ممکن کردن مرزهای عینی و تقویت مرزهای طبیعی، اجتماعی و فرهنگی، فرایند هویت‌سازی را آسان‌تر می‌کنند. همین‌طور مکان با تأمین نیاز به تداوم داشتن و پایدار بودن، منبع مهمی در تأمین هویت ملی به شمار می‌روند و از طرفی با انسجام و همبستگی اجتماعی که احساس تعلق به جمع را ممکن می‌سازند، زمینه هرگونه هویت و هویت‌سازی جدید ملی را فراهم می‌نماید. زمان و فضا از دیگر لازمه‌های هویت‌یابی است که بدون آن ساخت هویت ناممکن است. در جوامع سنتی زمان و مکان در کنار فرهنگ در راستای هویت‌سازی ارتباط تنگاتنگ دارند. بنابراین با پیوند مکان و فرهنگ و همچنین پیوند این دو به یک واحد اجتماعی معین، دنیای کوچک و نسبتاً بسته به وجود می‌آمد که مرزهای آن تقریباً نفوذناپذیر بودند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۴۰-۲۳۰).

در حوزه سیاست جهانی، الکساندر ونت معتقد است که هویت از طریق تکرار فرایندهای تعاملی، هویت‌ها و انتظارات در مورد یکدیگر تثبیت شده و گسترش می‌یابد. (Zehfuss, 2001: 32). ظهور هویت‌های غیر دولتی بین‌المللی متعدد در کنار دولت‌ها، گسترش جنگ‌های داخلی در اثر رشد گروه‌های مسلح داخلی، شبکه‌های تروریستی بین‌المللی، قاچاقچیان مواد مخدر، فعالان جنبش‌های سبز و گروه‌های حقوق بشری و دیگر NGO ها را می‌توان از هویت‌های جدیدی دانست که در اثر تغییرات بستر تعاملاتی شکل گرفته‌اند. به‌طور کلی می‌توان گفت که با گسترش این سامانه جدید و رها شدن فضا و زمان از قید مکان و نسبی شدن فرهنگ‌ها و مراجع اجتماعی، هویت‌سازی و معنایابی به شیوه سنتی دچار مشکل کرده است. بنابراین نوعی بحران فراگیر و فزاینده هویت و معنا جوامع مختلف جهان را فرا گرفته که به‌صورت‌های گوناگون در تصورات و احساسات افراد و گروه‌های مختلف بازتاب پیدا کرده است. در واقع با گسترش تکنولوژی

اطلاعاتی منابع سنتی هویت ملی یعنی مکان، زمان و فرهنگ به نوعی دچار تزلزل شده و ارتباط این سه عنصر در فرایند هویت سازی کمتر شده است. بنابراین ما با تعدد و پیچیدگی و چند عاملی شدن از یک سو و ابهام و سیالیت در معنای هویت ملی از سوی دیگر مواجهیم که در این میان نقش عوامل فرهنگی اساسی تر است.

۶. هویت ملی ایرانی و فناوری‌های جدید

با نگاهی بر تاریخ گذشته ایران و نیز به مؤلفه‌های بنیادین هویتی آن در عصر کنونی در خواهیم یافت که هویت ایرانی، هویتی چند پایه است و بر عواملی چون سرزمین مشترک، تاریخ مشترک، ادبیات مشترک، دین مشترک، زبان آداب و منش مشترک استوار است. به عبارتی، شامل ابعاد اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و... می‌شود. هر ایرانی که در یک عامل از عوامل بالا با ایرانی دیگر شریک نباشد، در دیگر عوامل با او و دیگر ایرانیان شریک است. (طرح تدوین برنامه ایران ۱۴۰۰، ۱۳۷۵: ۳) از طرفی، در یک چارچوب کلی می‌توان هویت ایرانی را به سه صورت تقسیم بندی کرد: ۱- هویت قبل از اسلام ۲- هویت اسلامی، ۳- هویت جدید که در اثر تجدد شکل گرفته (زاهد، ۱۳۸۴: ۱۳۶-۱۳۴). اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که فناوری‌های جدید چه تاثیر بر هویت ملی ایرانی دارد؟

دو دیدگاه در مورد تأثیر فن آوری‌های جدید بر هویت و فرهنگ ملی کشورها وجود دارد: یک دیدگاه خوشبینانه این است که سامانه جدید اطلاعاتی می‌تواند با اطلاع رسانی و در دسترس قرار دادن ایده‌ها و افکار ملل مختلف به صورت فراگیر و سهل‌الوصول به ارتقای دانش بشری و تفاهم انبای بشر کمک و مساعدت نماید و باعث تقویت و پویایی هویت ملی کشورها گردد. از این منظر، ورود سامانه جدید اطلاعاتی موجب ادغام مردم جهان در یک جامعه واحد جهانی و ارتقای همبستگی و پیوستگی آنان می‌شود و زمینه روابط فرهنگی در واری مرزها را فراهم می‌نماید (دهشیری، ۱۳۷۹: ۵-۴). با پذیرش این دیدگاه، جامعه ایرانی با پشتوانه فرهنگی غنی خود می‌تواند با استفاده از این سامانه جدید زمینه رشد و پویایی عناصر هویت ملی خود را در جهان فراهم نموده و با ورود به محیط تعاملاتی جدید و ارائه بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای مقبول و عامه‌پسند زمینه جهانی سازی آنها را فراهم نماید. به عنوان مثال زبان و ادبیات فارسی که یکی از پربرترین و غنی‌ترین متون دنیا به شمار می‌رود به عنوان یکی از ابعاد هویتی ایران با گسترش سامانه جدید اطلاعاتی می‌تواند دیگر نقاط دنیا معرفی گردد. شادروان استاد حدیدی در اثر گران سنگ خود " از سعدی تا آرگون" چنین می‌نویسد..... جاذبه اشعار و سخنان سعدی در نزد فرانسویان چندان بود که دیدرو یکی از نویسندگان بزرگ قرن هفدهم در وصف سعدی سخنان بسیاری به زبان آورده است. همچنین دیدرو در مقاله‌ای تحت عنوان *Sarasin* که در همان دایره‌المعارف درج شده

است در مورد گلستان چنین می‌افزاید «چه روح بزرگی در این داستان مشهود است چه زیبا و عالی است چقدر انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (دانشگر، ۱۳۸۵: ۳۹۲).

همچنین، نوروز به عنوان یکی از مؤلفه‌های هویتی ایرانی امروزه در اکثر شهرهای بزرگ جهان نظیر نیویورک، لندن، پاریس و... هر ساله در حال برگزاری است که این نشان از غنی بودن و قدمت فرهنگ ایران است. نوروز دارای ویژگی‌های عام انسانی و جهانی است. تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و انسانی، ترویج و تحکیم روابط انسانی و نوع دوستی، اهمیت دادن به محیط‌زیست و تأکید بر بهداشت و پاکیزگی از ویژگی‌های انسانی و جهانی فرهنگ نوروز است. با توجه به این ویژگی‌ها و بسیاری از ویژگی‌های دیگر، فرهنگ ما قابلیت انطباق با فرآیند جهانی شدن را دارد. مسلماً، تدابیر هوشمندانه در جهت پر سه هویت‌یابی و هویت‌سازی و استفاده بهینه از سامانه جدید اطلاعاتی می‌تواند زمینه‌ساز گسترش فرهنگ و تجربیات ایرانی - اسلامی به اقصا نقاط دنیا را فراهم سازد (قاسمی، ناظری ۱۳۹۱: ۹۱). از این روست که تافلر ارتباطات را از ابزارهای مهم توسعه دهنده تمدن بشری می‌داند. مطابق این رویکرد، جهانی شدن نه تنها به تضعیف هویت‌های ملی منجر نمی‌شود بلکه با حفظ آن به عنوان واسطه و میانجی میان فرد و فرهنگ‌های قومی و فرهنگ جهانی، در صدد شکل دهی به آن بر اساس الگوی تعامل مبتنی بر هم‌جوئی فرهنگ‌ها و خارج ساختن آن از حالت تنگ و متعصب نژادی و قومی است. پیروان این رویکرد، بر این اعتقادند که «جهانی شدن به لحاظ نظری و نیز با توجه به تحولات عملی در صحنه بین‌المللی، ممکن است تأثیرات معکوسی به جای گذارد و نه تنها تأثیر چشمگیری بر تقویت هویت‌های قومی نداشته باشد، بلکه به رشد هویت‌های ملی و تقویت نقش دولت ملی در فرآیند جهانی شدن منجر شود. (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۳ و تاجیک، ۱۳۸۸: ۲۸-۲۷).

اما دیدگاه بدبینانه بر این امر تأکید دارد که فناوری‌های نوین اطلاعاتی زمینه تقویت هویت‌های فرو ملی و تضعیف هویت‌های ملی را فراهم می‌نماید. هربرت بلومر، مایکل براون، کاستلز و برخی دیگر معتقدند فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با تضعیف دولت-ملت و شکاف در هویت ملی بسترساز بحران‌های فروملی و قومی هستند. بنا به نظر اینان، بر اثر سلطه سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی غرب، این سامانه در خدمت آنها و در راستای منافع گروهی خاص به تخریب عناصر بنیادین هویتی کشورهای جنوب عمل می‌کنند (دهشیری، ۱۳۷۹: ۸۴-۸۳). رشد سامانه جدید اطلاعاتی در بسیاری از موارد زمینه بی‌ثباتی فرهنگی و هویتی را در سطح جامعه ایجاد نمایند. دوگانگی فرهنگی و به تبع آن بحران هویتی - خصوصاً در بین جوانان - زمینه پوچ‌گرایی، احساس عدم تعلق خاطر به فرهنگ و جامعه خود را فراهم نموده است (نوابخش، سادات نیکوکار، ۱۳۹۰: ۹۰-۸۹).

همچنین، رشد گرایش‌های قومی و برجسته شدن هویت‌های محلی که تحت تأثیر این سامانه جدید فعال شده‌اند می‌تواند برای جامعه و فرهنگ که بافتی ترکیبی و پیچیده دارد و از قومیت‌های مختلف تشکیل شده مهلک باشد (صالحی امیری و عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۴۱) از این منظر، این موضوع در مورد ایران که از قومیت‌های مختلفی تشکیل شده است، قابل تأمل است. زیرا با گسترش فناوری نوین اطلاعاتی فرصتی برای فرهنگ‌ها و هویت‌های محلی پدید آمده تا خود را به شکلی متفاوت از هویت ملی ارائه نموده و بر وجوه تفاوت خود با فرهنگ ملی پافشاری نمایند. تأکید نخبگان و حتی عامه مردم که در چارچوب هویت‌های قومی و محلی عمل می‌کنند و بر تفاوت‌های فرهنگی خود اصرار دارند می‌تواند نمونه برجسته‌ای از تأثیرات فناوری نوین اطلاعات حساب آورد که به نوبه خود می‌تواند چالش‌های برای هویت ملی به بار بیاورد. در جاهایی که این قومیت‌ها و هویت‌ها محلی با دنیای بیرون از مرز قرابت جغرافیای و فرهنگی دارند - نظیر مناطق مرزی - می‌تواند نمود بیشتری پیدا کند. (معید فر، ۱۳۸۶: ۲۰۵) در کنار چالش‌های که برای ابعاد جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی و تاریخی هویت ایرانی ایجاد گردیده می‌توان به چالش‌های فرهنگی هویت ایرانی نظیر: تضعیف و سست شدن آداب و رسوم ملی، رواج تدریجی اخلاق سکولار به جای اخلاق اسلامی، تضعیف و افول هنر ایرانی - اسلامی و ترویج هنر غربی، تضعیف اصول و ارزش‌های اسلامی. (احمدی پور، ۱۳۸۹: ۹۹) نیز اشاره نمود.

از طرفی، پیدایش نیازهای نوین ناشی از دگرگونی‌های قرن بیستم، عمده‌ترین چالش‌های موجود رویاروی هویت و همبستگی ملی ایران به شمار می‌رود. در این میان پنج نیاز اساسی (۱. نیاز به آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ۲. نیاز به دسترسی برابر به فرصت‌ها و امتیازات ملی، ۳. نیاز به توزیع عادلانه ثروت بین مناطق گوناگون کشور، ۴. نیاز به نبود تبعیض جنسی و برابری حقوق زن و مرد، ۵. و سرانجام نیاز اقلیت‌ها به برخورداری از حقوق و امتیازات برابر با سایر ایرانیان) به عنوان نیازهای برآورده نشده عمده جامعه ایرانی مورد بحث قرار گرفته است (ر.ک.: احمدی ۱۳۸۸).

با همه این اوصاف، فرآیند تأثیرات گسترش فناوری نوین اطلاعاتی بر هویت ملی افراد، یک امر نسبی است و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. عواملی نظیر توسعه اقتصادی، یکپارچگی ملی، مشروعیت حکومت و رهبران و توانمندی آنها، ایدئولوژی کارآمد، امنیت ملی، شفافیت و پاسخگویی سیستم، وحدت ملی، قدرت دولت‌ها (سخت، نرم) و توانمندی‌های آنها در استفاده و بهره برداری از تکنولوژی اطلاعات جدید می‌تواند بر هویت ملی آنها در عصر اطلاعات تأثیرگذار باشد. (ای. آزر و این مون، ۱۳۸۸) به‌ویژه نقش فرهنگ و عناصر سازنده آن در این میان حائز اهمیت اساسی است. به‌ویژه اگر فرهنگی به صورت بالقوه توانایی مقابله با چالش‌های جدید هویت ملی خویش را داشته باشد.

بنابراین، به نظر می‌رسد که هویت ملی ایرانی با وجود داشتن بنیادهای مستحکم تاریخی و فرهنگی و سیاسی، و در عین برخورداری از پیوستگی و اصالت و استقلال خاص خود، در صورتی قادر به رسیدن به استحکام، پویایی و تقویت همبستگی ملی بیشتر جامعه ایرانی است که ضمن تکیه بر عناصر سازنده فرهنگی، دینی، اعتقادی، تاریخی، ادبی، سیاسی و در نهایت سرزمینی ایران، خود را به صورت یک گفت‌وگو هویتی شهروند محور و انسانی بازسازی و به جهانیان ارائه کند.

نتیجه‌گیری

بدون شک، گسترش فن آوری اطلاعاتی یکی از عاملی است که روابط اجتماعی را تا حدودی از قید مکان و زمان رها کرده و در فضا و فرهنگ، گسترش داده است. در نتیجه، برخلاف جوامع سنتی که دربرگیرنده منابعی محدود و معین برای ایجاد هویت ملی بودند، این سامانه جدید اطلاعاتی منابع هویت ساز را در عرصه جهانی گسترش داده و کنشگران را با منابع بسیار غنی و مصالح هویت ساز جدید مواجه کرده است. لذا کنشگران می‌توانند برپایه فرهنگ، علایق و جایگاه خود، به ترکیب مختلفی از منابع هویت ساز وارد شده و فعالانه از آن‌ها بهره‌برداری نمایند. گسترش فناوری نوین اطلاعاتی این امکان را به وجود آورده است تا کنشگران بتوانند به‌طور فزاینده‌ای فرهنگ‌ها، سنت‌ها، نمادها و هویت‌های محلی خود را در قالب الگوهای عام عرضه دارند. از این رو، این گونه فناوری‌ها در کنار تضعیف برخی منابع هویت سازی سنتی، شرایط و امکانات جدیدی برای فرایند هویت‌سازی و هویت‌یابی در اختیار کنشگران مختلف قرار می‌دهند و از سوی دیگر، فرصت‌ها، امکانات و شرایط جدید را پیش روی کنشگران (افراد، گروه‌ها، دولت) قرار داده‌اند تا از این طریق بتوانند از محدوده مکان و سرزمین خود فراتر رفته و فرهنگ‌ها، سنت‌ها، آداب و هویت‌های خود را به اقصی نقاط دنیا عرضه دارند و الگوهای فرهنگی ملی خود را به دیگر ملل دنیا تسری بخشند. همین ماهیت برساختگی و دگرگون پذیر هویت ملی است که امکان تحول و تغییرات اساسی در سیاست بین‌الملل را فراهم آورده و بالطبع مفهوم هویت ملی را دگرگون ساخته است. بنابراین امروزه به دلیل گسترش سامانه‌های اطلاعاتی، مفهوم هویت ملی از قالب و معنای ایستا و از پیش تعیین شده خود، خارج شده و ماهیتی بسیار سیال‌تر و تحول‌یابنده‌تر و در عین حال مرکب و چند بعدی و همراه با ابهام و پیچیدگی در فضای مجازی پیدا کرده است که نسبت به گذشته قابل مقایسه نیست. در نتیجه هویت ملی ایرانی با برخورداری از بنیادهای مستحکم تاریخی، فرهنگی و سیاسی، و در عین برخورداری از پیوستگی و اصالت و استقلال خاص خود، با تکیه بر مدیریت صحیح و کارآمد و منطقی و متعهدانه با ارائه خود به صورت یک گفت‌وگو هویتی شهروند محور و انسانی، قادر به رسیدن به استحکام، پویایی و تقویت همبستگی ملی بیشتر جامعه ایرانی است.

- آزر. ای. ادوارد و این مون، جونگ (۱۳۸۸)، امنیت در جهان سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- احمدی پور، زهرا (۱۳۸۹) جهانی شدن و هویت ایرانی، تهران: نشریه تحقیقات کاربردی علوم اجتماعی، جلد ۱۵، شماره ۱۸.
- اسمیت، کریستن رویس (۱۳۹۱) سازه انگاری چاپ شده در کتاب نظریه‌های روابط بین الملل ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح الله طالبی آرانی، تهران بنیاد حقوقی میزان.
- امیر احمدی، هوشنگ و والاس، وسی (۱۳۹۰)، فناوری اطلاعات، سازماندهی و توسعه اقتصادی، چاپ شده در: روزنا و دیگران، انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری‌های جدید تدوین، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مطالعات راهبردی.
- باستر، مارک، (۱۳۷۷) عصر دوم رسانه‌ها، ترجمه غلامحسین صالحیار، مؤسسه ایران.
- بل، دیوید (۱۳۹۰)، فرهنگ سایبر (رایا فرهنگ)، ترجمه مهدی شفیعیان، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- _____ (۱۳۸۹)، درآمدی بر فرهنگ سایبری، ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی، تهران: نشر جامعه شناسان.
- بوردیو، پی یر (۱۳۸۰)، نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیها. انتشارات نقش و نگار.
- بوزان، بری (۱۳۸۸)، از جامعه بین‌الملل تا جامعه جهانی، ترجمه محمد علی قاسمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پور احمدی، حسین (۱۳۸۶) انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در بازتاب فرایند جهانی شدن، تهران: چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، «فرهنگ غیررسمی، ارتباطات و امنیت ملی در ایران»، فصلنامه فرهنگ اندیشه، سال چهارم، شماره ۱۴-۱۵.
- تری یاندریس، هری. س (۱۳۷۸)، فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه نصرت فتحی، تهران: نشر رسانش.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: نشر شیراز.
- چونوف، فرد (۱۳۸۸)، نظریه و زیر نظریه در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، جغرافیای سیاسی فضای مجازی، تهران: انتشارات سمت.
- دانشگر، محمد (۱۳۸۵) جهانی شدن گستره زبان و ادبیات فارسی و چالش‌های پیش رو، تهران: مجله هنر و معماری شماره ۶۷.
- دهشیری، محمد رضا (۱۳۷۹) جهانی شدن و هویت ملی، تهران: فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم شماره ۵.

- دیویتاک، ریچارد (۱۳۹۱)، «پساساختار گرایی» در: نظریه‌های روابط بین‌الملل ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح ا... طالبی، تهران: انتشارات میزان.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲)، پدیده جهانی شدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات آگاه.
- روزنا و دیگران (۱۳۸۹)، انقلاب اطلاعات و امنیت و فناوری جدید، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- روزنا، حمیز (۱۳۸۴)، آشوب در سیاست جهانی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر روزنه.
- زاهد، سعید (۱۳۸۴) هویت ملی ایرانیان، مجله راهبرد، سال اول شماره چهارم.
- ریستون، والتر (۱۳۹۰) «فناوری اطلاعات و حاکمیت دولتها»، در: انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوریهای جدید، ترجمه علیرضا طیب، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سازمند، بهاره (۱۳۹۰)، «جایگاه فرهنگ در روابط بین الملل»، در: حمیرا مشیرزاده و نبی ا... ابراهیمی، تحول مفاهیم در روابط بین الملل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، نظریه‌های گوناگون در مورد جهانی شدن، تهران: انتشارات سمت.
- شارون، جوئل (۱۳۹۲)، ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- صالحی امیری، سید رضا، دولت آبادی، امیر عظیمی (۱۳۸۷) "جهانی شدن و سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران"، پژوهشنامه متین، شماره ۴۱. ص ۹۱.
- طرح تدوین برنامه ایران ۱۴۰۰ (۱۳۷۵)، گروه فرهنگی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۰)، مطالعات جهانی شدن، تهران: انتشارات سمت.
- عباسی قادی، مجتبی و خلیلی کاشانی، مرتضی (۱۳۹۰)، تأثیر اینترنت بر هویت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۹۳) فصول الحکمه، ترجمه و شرح حیدر شجاعی، تهران: مولی.
- فرمند، مریم (۱۳۸۸)، «دختران و کاربرد اینترنت»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۱.
- قاسمی، حاکم، ناظری، زهرا (۱۳۹۱) "فرهنگ ایرانی در عصر جهانی شدن (مطالعه موردی فرهنگ نوروز)"، مجله فرهنگ و ارتباطات، سال سیزدهم، شماره ۱۵.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ؛ ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان؛ ویراستار علی پایا - تهران: طرح نو.
- کانوی، مائورا (۱۳۹۰)، «بهره برداری تروریست‌ها از اینترنت»، کتاب انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری اطلاعات، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاووسی، اسماعیل (۱۳۸۷) "بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر بحران هویت جوانان تهران"، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره اول.
- کراهمان، الکه (۱۳۸۷) تهدیدات و بازیگران جدید در امنیت بین الملل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- لارنا، انریک، (۱۳۹۰)، جنبش‌های نوین اجتماعی، ترجمه سیدمحمدکمال سروریان و علی صبحدل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مشیرزاده حمیرا، ابراهیمی، نبی‌الله، (۱۳۹۰)، تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- معید فر، سعید و عبدالوهاب شهلی بر. (۱۳۸۶) "جهانی شدن و شکل‌گیری سیاست فرهنگی محلی" مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، شماره ۵۷-۵۶.
- نوابخش، مهرداد، سادات نیکوکار، مستانه (۱۳۹۰) "جهانی شدن و بحران هویت جوانان"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوم شماره ۳. تابستان.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۵) "نگاه تحلیلی به روند تحول مفهوم هویت در قالب سه گانه سنتی، مدرن و پست مدرن"، تهران: فصلنامه مطالعات ملی.
- واعظی، طیبه، (۱۳۹۰)، «هویت در روابط بین‌الملل» در: تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل، حمیرا مشیرزاده و نبی ا... ابراهیمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هال؛ استوارت (۱۳۸۳)، «هویت‌های قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید»، ترجمه شهریار وقفی پور، تهران: ارغنون، شماره ۲۴.
- Albrow, M (1996) "The Global Age". Cambridge: politic press.
- (1994) "Living in a post- traditional society". In Beck.
- Ashely, R.K. (1981) "Political Realism and Human Interest" international studies, quarterly 207.
- Burke, A (2004) "Just war or Ethical peace? Moral Discourses of strategic violence after 9/11", international affairs.
- Castells, Manuel. (1999) "Rise of the network society" Black well publishers Ltd, Oxford.
- Giddens, A. (1991) "Modernity and self-identity. Cambridge" Polity press.
- Hobbes. Thomas, (1962) "leviathan" ed. by john plamenatz, London: Fontana.
- Hopf, T. (1998) "The promise of constructivism in international relation theory", international security.
- Katzenstein, Peter J. (1996) *Cultural Norms and National Security: Police and Military in Postwar. Japan.*
- Keck, margarete, and Kathryn sikkink. (1998). "Activists beyond Borders: Advocacy networks in international politics". Theca. Cornell university press.
- Kohen, R & J. Nye. (2000) "Globalization: what is new? What's not?" In foreign policy, spring
- Smith, m.j. (1986) "realist thought from weber to Kissinger", Baton Rouge. LA: Louisiana Stata university press.

- Wendt, A. (1987) "The Agent-Structure Problem in International Relations Theory, "International Organization,
- Zuboff, S. (1988) "in the Age of the smart machine": the Future of work and power (Basic Book New York)

۴۰

دو فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات

قدرت نرم

سال هفتم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

قدرت نرم

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت

قدرت